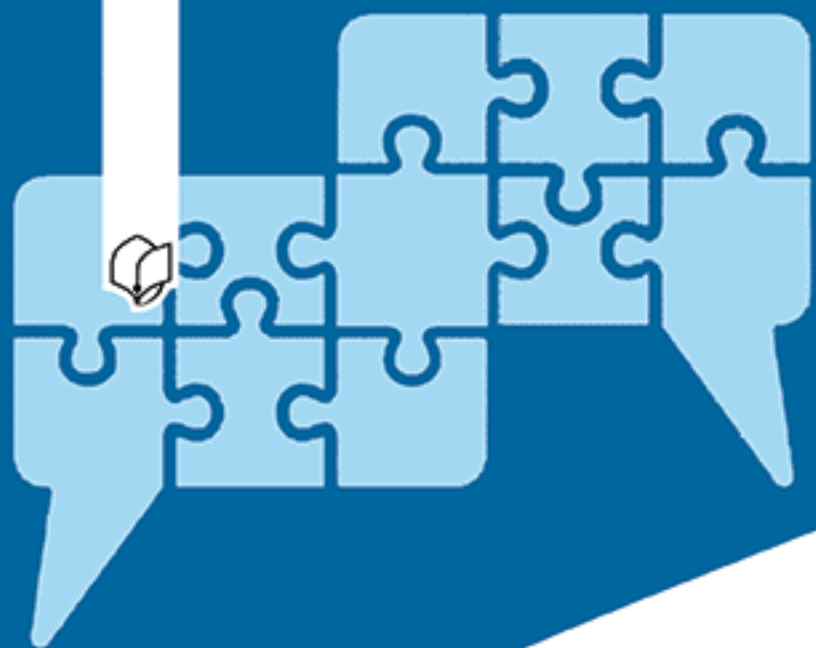


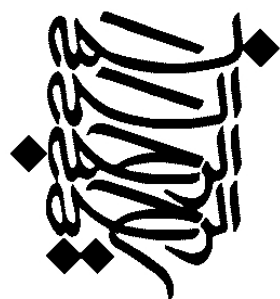


پرسمان اقتصادی

شماره اول

پرسش‌هایی پیرامون مسائل اقتصادی از
دکتر عادل پیغامی





در گفتگو با دکتر عادل پیغمبی

پرسمان اقتصادی ۱

پرسش و پاسخ پیرامون
شباهات اقتصادی



پرسمان اقتصادی؛ پرسش و پاسخ پیرامون شبهات اقتصادی

کاری از: مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی

تهیه کننده: کانون تربیت و اقتصاد

نوبت چاپ: اول

تاریخ چاپ: دی ۱۳۹۴

طراحی جلد و صفحه آرایی: قاسم رستم پور و سیدمصطفی شفیعی

ویراستار: محسن احمدی

آدرس: تهران، بزرگراه شهید باقری، بزرگراه رسالت شرق، خیابان رشید،

خیابان نوکار (۱۵۴)، خیابان شهیدان صادقی ۱۱۳، پلاک ۱۱۲

کدپستی: ۱۶۵۱۶۷۴۱۱۱

تلفن: ۷۶۷۰۲۴۴۵ - ۷۶۷۰۲۴۵۹

نمابر: ۷۶۷۰۲۴۶۱

سامانه پیامکی: ۵۰۰۲۹۱۹۱۸

تارنما: <http://tarbiateslami.com>

پست الکترونیکی: research@tarbiateslami.com

حق چاپ برای مرکز محفوظ است.

پیشگفتار

مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی به عنوان یک نهاد تربیتی پیشرو، پیش‌برنده و الگو، بخشی از اتاق فکر تربیت اسلامی کشور است که با رویکرد تولید اندیشه و الگوسازی و با اولویت شجره طیبه صالحین فعالیت می‌کند و بر آن است تا با جذب افراد متعهد (مؤمن جهادی) و متخصص (دانشگاهی و حوزوی) و توانمندسازی و به‌کارگیری مؤثر ایشان در حوزه‌های مختلف تربیت اسلامی و ایجاد منظومه‌ای متشکل از مجموعه‌های متنوع آموزشی، پژوهشی و الگوسازی، نقش بسزایی را در تحقق آرمان‌های بلند انقلاب اسلامی ایفا نموده و به بازوی فکری نظام مقدس جمهوری اسلامی در حوزه تربیت نیروی تراز انقلاب اسلامی تبدیل گردد.

پژوهش پیش رو تلاشی است در راستای تحقق اهداف این مرکز، که با همکاری پژوهشگران و صاحب‌نظران و در راستای نقشه علمی مرکز آماده و تولید شده است، از این رو مدیریت پژوهش و نشر نیز می‌کوشد تا با پشتیبانی و حمایت از پژوهشگران و فعالان حیطه‌های مرتبط در مسیر رفع نیازهای پژوهشی و کاربردی انقلابی اسلامی گام بردارد.

معاونت پژوهش و نشر
مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی

فهرست

۱- مقدمه	۹
۲- چرا شبهات اقتصادی	۱۱
۳- اقتصاد مالی	۱۷
۴- مفاسد اقتصادی	۱۹
۵- قدرت خرید و تورم	۲۳
۶- راهکار حل مشکلات	۳۷
۷- اقتصاد مقاومتی	۴۳

۱- مقدمه

دشمنان قسم خورده انقلاب اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با راه اندازی جنگ نظامی علیه ایران در دهه ۶۰ و سپس جنگ فرهنگی در دهه ۷۰ به دنبال ریشه کن کردن انقلاب اسلامی بودند ولی با لطف الهی و خواست و همت مردم و مسئولین، ناکام ماندند. پس از جنگ نظامی و شبیخون فرهنگی، دهه ۸۰ را می توان سرآغاز دوران شدت گرفتن جنگ اقتصادی علیه ایران در نظر گرفت.

رهبر معظم انقلاب با تیزبینی، هوشیاری و بصیرت همیشگی خویش با درک صحیح دوران جنگ اقتصادی، شعارهای سال (۸۷ تا ۹۳) را متناسب با ضعف های اقتصادی کشور که باید جبران شود در نظر گرفتند و عموم مردم را مخاطبان اصلی خود قرار دادند. ایشان همچنین با طرح «اقتصاد مقاومتی» در شهریور ۱۳۸۹ و ابلاغ سیاست های کلی آن در بهمن ۱۳۹۲ اهمیت و لزوم پیگیری انجام این مهم را خواستار شدند و نهایتاً در اسفند ۱۳۹۲ با تبیین آن ها در جلسه سران قوا و نیز جلسه مسئولان نظام، حجت را بر همگان در لزوم عمل به اقتصاد مقاومتی تمام کردند.

بی تردید مردم در مسیر عمل به شعارهای اقتصادی چند سال اخیر و تحقق اقتصاد مقاومتی با ابهامات و سؤالات مختلفی روبرو شده اند. از طرف دیگر، دشمن در صدد بحرانی جلوه دادن شرایط اقتصادی کشور و وضعیت معیشت مردم است و مشکلات و شبهات غیرواقعی در این زمینه ایجاد و پراکنده کرده است. حل این مشکلات نیازمند تبیین ابهامات، پاسخ به سؤالات و رفع شبهات است. این اقدام می تواند در تحلیل صحیح شرایط اقتصادی کشور و وضعیت معیشت جامعه تأثیر بسزایی داشته

باشد. به طور مثال کسی که از ظرفیت های کشور و توانمندی های آن، اطلاع دقیق و درست داشته باشد شرایط اقتصادی کشور را به صورت بحرانی تحلیل نخواهد کرد و عامل اطمینان بخشی به مردم خواهد شد.

بدین منظور در اولین گام، چندین سؤال از اقشار مختلف مردم جمع آوری شد و از دکتر پیغامی درخواست شد که به آن ها پاسخ دهند. ایشان نیز با سعه صدر و بیان دل نشین خود به تمامی سؤالات پاسخ دادند. متن حاضر، پاسخ ایشان به سؤالات و شبهات جمع آوری شده به همراه اصلاحات و اضافات لازم است. از آن جا که شبهات پاسخ داده شده در این جزوه از عموم افراد جامعه جمع آوری شده است؛ جزوه حاضر می تواند به عنوان مرجعی جهت رجوع مبلغین گفتمان اقتصادی انقلاب اسلامی و نخبگان حوزوی و دانشگاهی در پاسخ گویی به شبهات اقتصادی قرار گیرد.

۱-۱- معرفی استاد

دکتر عادل پیغامی، دکتری اقتصاد، عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع) و معاون پژوهشی آن است. اقتصاد پولی، اقتصاد ایران، فلسفه اقتصاد، تاریخ عقاید اقتصادی و تربیت اقتصادی اصلی ترین حوزه های تخصصی است که ایشان با نگارش ده ها مقاله و تألیف و ترجمه کتب متعدد، در آن به فعالیت پرداخته اند. از سال ۸۶ و با آغاز نامگذاری اقتصادی سال ها از سوی رهبر معظم انقلاب و سپس طرح نظریه اقتصاد مقاومتی، دکتر پیغامی با سخنرانی های متعدد، کارگاه های آموزشی و نگارش یادداشت و تألیف کتاب^۱ به تبیین و تشریح بیانات ایشان و نظریه اقتصاد مقاومتی پرداخته اند و در حال حاضر جزء اساتید صاحب نظر در حوزه اقتصاد مقاومتی هستند.

۱- درس گفتارهای اقتصاد مقاومتی، تحریم های اقتصادی ایران؛ مبانی، ابعاد و راهکارها، مقاوم سازی اقتصادی در ادبیات اقتصاد متعارف، از مهم ترین کتب تألیفی ایشان در تبیین نظریه اقتصاد مقاومتی است.

۲- چرا شبهات اقتصادی

۲-۱- آیا اقتصاد ایران دارای شبهه است که از ما در مورد شبهات اقتصادی سؤال می‌شود؟

اقتصاد ایران اکنون درگیر یک جنگ اقتصادی است که توسط دشمنان جمهوری اسلامی ایران به صورت ظالمانه در حال جریان است. یکی از مهم‌ترین اقدامات دشمن در این زمینه، ایجاد و تقویت عملیات روانی در حوزه مسائل و مشکلات اقتصادی هست. به طور مثال ممکن است دشمن با بزرگ‌نمایی برخی از مشکلات اقتصاد ایران و غافل نمودن مردم از توانایی‌های کشور چنین وانمود کند که پیشرفت اقتصاد و حل مشکلات منوط به خواست و اراده دشمنان است و در صورتی که دولت و مردم تسلیم نشوند؛ مشکلات ادامه خواهد یافت. در این‌گونه موارد سؤال و شبهه به وجود می‌آید که آیا اقتصاد ایران می‌تواند در برابر مشکلات داخلی و خارجی مانند تحریم‌ها، سوء مدیریت‌ها و ... مقاومت کند و پیشرفت داشته باشد؟ بدیهی است پاسخ به این مسائل ضروری است و عامل دلگرمی مردم و مانع آشفتگی و اضطراب آن‌ها خواهد شد. به طور خلاصه، دشمن در صدد شبهه‌پراکنی علیه اقتصاد ایران است و پاسخ به این شبهات لازم است.

۲-۲- قرآن چه راهکارهایی برای پاسخ به شبهات اقتصادی دارد؟

قرآن کریم مباحث مفصلی درباره اقتصاد و پایه‌های آن دارد. در قرآن اشاره شده است که کسانی که می‌دانند بهتر از کسانی هستند که نمی‌دانند (کسب سواد اقتصادی) و کسانی که مجاهده و تلاش می‌کنند بهتر از افراد گوشه‌نشین و ایرادگیر هستند (لزوم جهاد اقتصادی). همچنین آنچه در قرآن به عنوان هدایت بیان شده است؛ بهترین و قوی‌ترین هدایت است؛ پس برای برطرف شدن مشکلات و سامان گرفتن امور باید به دستورات قرآن روی آورد. (اعتقادات، اخلاق و احکام اقتصادی را باید از قرآن آموخت). افزون بر این، نسبت به عملیات روانی دشمن هشدار داده شده و اشاره کرده است که مراقب حرکات و رفتار آن‌ها باشید. (خنثی‌سازی عملیات روانی دشمن در حوزه اقتصاد) قرآن تأکید دارد که گوش به فرمان ولی خدا و رهبران باشید و اوامر او را اجرا کنید. (تبعیت از ولی فقیه). به‌طور کلی هرکس برای آشنایی و عمل به دستورات قرآن در حوزه اقتصاد باید سواد اقتصادی، اعتقادات اقتصادی، اخلاق اقتصادی و احکام اقتصادی را بیاموزد و به آن‌ها عمل نماید.

۲-۳- جوان امروز تا دیروز، درگیر شبهات فرهنگی بود و امروز شبهات اقتصادی گریبانش را می‌فشرد، او چه گناهی کرده است؟

به‌طور پیش‌فرض، جوان مرتکب گناه نشده است ولی باید توجه کند که زندگی بر اساس ناموس آفرینش، صحنه نبرد و تقابل حق و باطل است. در این نبرد و جنگ، همیشه شبهاتی علیه حق ایجاد و پیدا شده است و لازم است همه با تلاش یکدیگر، پاسخ آن‌ها را بدانیم و به دیگران نیز بیاموزیم. توقع دنیای بدون

نزاع حق و باطل و خالی از شبهات فرهنگی و اقتصادی و.... واقعی و حقیقی نیست و امکان تحقق چنین توقعی در دنیا وجود ندارد.

۲-۴- آیا ایجاد شبهات اقتصادی با غبار فتنه ارتباطی دارد؟

شبهه‌های اقتصادی زمینه‌ساز شکل‌گیری غبارهای فتنه هستند. دل و ذهن آلوده به راحتی فتنه را خواهد پذیرفت. در صورتی که دل و ذهن آلوده شود؛ عمل را نیز آلوده خواهد کرد و مانند عاشورا خواهد شد که امام حسین (علیه السلام) اشاره کردند که یکی از دلایل توجه نکردن شما (دشمنان) به صحبت‌های من، پر شدن شکم‌هایتان از مال حرام است. به طور کلی، شبهه اقتصادی لزوماً ارتباطی با فتنه ندارد و بستگی به رفتار مردم دارد ولی پیدا نکردن پاسخ صحیح آن می‌تواند انسان را تبدیل به فتنه‌گر و فتنه‌جو کند.

۲-۵- آیا شبهات اقتصادی تنها با پول حل می‌شود یا اینکه نیاز به فرهنگ اقتصادی نیز هست؟

قطعاً با پول حل نمی‌شود؛ زیرا هر قدر پول افزایش یابد لزوماً عقل و فرهنگ افزایش نمی‌یابد. به عبارت دیگر، در صورتی که پول افزایش یابد شبهات اقتصادی و یا رضایتمندی اقتصادی لزوماً حل نخواهد شد و قطعاً نیاز به فرهنگ اقتصادی دارد. به طور مثال، درآمد سرانه مردم آمریکا ۱۰ برابر مردم مکزیک افزایش یافته است ولی سطح رضایت مردم هر دو کشور از وضعیت اقتصادی خودشان و لذت ناشی از زندگی به صورت برابر است.

۲-۶- مگر جنگ نرم تمام شده است که حرف از شبهات اقتصادی زده می شود؟ شما چه کسانی هستید که می خواهید به شبهات پاسخ دهید، آن هم از نوع اقتصادی؟

یکی از انواع جنگ نرم، جنگ نرم اقتصادی است؛ یعنی عملیات روانی دشمن در حوزه اقتصاد. دشمن این کار را غالباً با ابزار شبهه پراکنی انجام می دهد و شبهه در جنگ اقتصادی مانند موشک در عملیات نظامی دشمن است. در حال حاضر، انقلاب اسلامی از ناحیه مسائل و مشکلات اقتصادی تهدید شده است و درگیر جنگ اقتصادی است. ما تعدادی اقتصادخوان و اقتصاددان برای دفاع از انقلاب اسلامی در حوزه اقتصاد هستیم و تلاش داریم که سفید و سیاه (توانمندی و مشکلات) اقتصاد کشور را به درستی تبیین کنیم.

۲-۷- شما صدای مردم را به مسئولین برسانید؛ همه شبهات حل خواهد شد

در تفکر عاقلانه و منطقی، دولت و مسئولین باید وظایف خودشان را انجام دهند و مردم نیز نقش خویش را ایفا کنند. حل شدن تمام مشکلات توسط مسئولین، نوعی تفکر افلاطونی است که معتقد است حاکم به تنهایی می تواند تمام مشکلات را حل کند. بیشتر از آن که مسئولین بتوانند مشکلات اقتصادی را رفع کنند مردم و سازمان ها باید مشکلات را برطرف کنند.

۲-۸- چرا رهبری در حل مسائل و شبهات اقتصادی ورود پیدا نمی‌کند؟

رهبر معظم انقلاب از سال ۱۳۸۰ مکرر فرموده‌اند که اولویت اول ما اقتصاد است و از همان زمان، هم در جایگاه رهبری (حکمرانی) و هم به‌عنوان یک مرجع تقلید، شبهات اقتصادی را مطرح کردند و پاسخ دادند. همچنین در عرصه‌های مختلف اقتصادی، بالغ بر ۱۰ سیاست کلی ابلاغ کردند. افزون بر این، شعارهای چند سال اخیر در بر دارنده مباحث و موضوعات اقتصادی بوده است و ورود ایشان به عرصه اقتصاد بر اساس هوشمندی و نگاه راهبردی ایشان نسبت به آینده صورت گرفته است. بنابراین ایشان در ۱۰ سال اخیر به طرق مختلف، بهترین نقش را در تحقق معماری نوین اقتصادی ایفا کرده‌اند.

مرکز مطالعات راهبردی
تربیت اساتذ



مرکز مطالعات اسلامی
تربیت اسلام

۳- اقتصاد مالی

۳-۱- آیا بانکداری ما اسلامی است یا فقط در مقام نظر، اسلامی است؟

شکل‌گیری جامعه اسلامی، امری تدریجی و تکاملی است که یکی از بخش‌های آن، اقتصاد اسلامی است. در حال حاضر نیز جامعه به صورت نسبی اسلامی هست و به سمت کمال یا همان اسلامی‌تر شدن در حال حرکت است. ضمن اینکه اسلامی شدن جامعه به معنای عدم امکان فساد و اشتباه در آن نیست؛ مگر در مدینه‌النبی با آن همه مجاهدت و تلاش پیامبر اسلام (ص) در طی ۱۳ سال، فساد و مانند آن وجود نداشت؟ بنابراین تمامی افراد و سازمان‌ها و نهادها ضمن انجام وظیفه خویش به‌طور کامل، باید توجه داشته باشند که حل شدن مشکلات، زمان‌بر است و اقتصاد اسلامی به تدریج شکل خواهد گرفت.

۳-۲- آیا سودهای بانکی، دلیل گرانی‌ها نیست؟

در صورتی که سود بانکی واقعی، منفی باشد گرانی ممکن است ادامه یابد. سود منفی یعنی میزان سودی که از مقدار تورم پایین‌تر باشد و این مسئله موجب تداوم گرانی‌ها خواهد شد.

۳-۳- بنده در کل اقتصاد مالی را قبول ندارم- در دنیای امروز، انسانیت فدای پول و مال شده است و این خیلی بد است- با خود می‌گویم ای کاش پول اختراع نمی‌شد تا انسانیت و روابط انسانی پابرجا می‌ماند- آیا پول مناسب بشریت است؟ با توجه به تعالیم قرآنی، مال یکی از کالاهای ناچیز دنیا است-

پول و امثال آن از زینت‌های دنیا محسوب می‌شوند و خوب یا بد بودن به نحوه استفاده از آن بستگی دارد. در صورتی که از آن در مسیر و هدف صحیح استفاده شود خوب است ولی اگر در مسیر غیر صحیح بکار گرفته شود بد است. به طور مثال ممکن است از پول برای انفاق در راه خدا و یا حمایت از تولید ملی استفاده شود که این کار نوعی جهاد است و بسیار خوب است. از طرف دیگر ممکن است پول مایه تفاخر انسان نسبت به دیگران شود که استفاده بد از آن محسوب می‌شود. بنابراین به طور کلی نمی‌توان گفت پول بد است و باید بر اساس استفاده‌اش در مورد آن قضاوت کرد.

۳-۴- ربا جنگ با خداست؛ چرا رهبری با سیستم رباخواری رسمی در کشور برخورد نمی‌کنند؟

نظام‌سازی بدون ربا باید به صورت تدریجی شکل گیرد و رهبر معظم انقلاب نیز به دنبال تحقق آن هستند. ضمن اینکه غالب مراجع معظم تقلید، قواعد و قوانین بانکی را قبول دارند و مقلدین آن‌ها باید از ایشان تبعیت کنند. البته ممکن است در برخی موارد، شیوه اجرا و انجام اشتباه باشد و نیاز به اصلاح داشته باشد ولی نباید کل عملیات بانکی را اشتباه تصور کرد.

۴- مفاسد اقتصادی

۴-۱- چرا بر قیمت‌ها نظارت و کنترل نمی‌شود؟ به عقیده من سخت است ولی نشدنی نیست-

اگرچه نظارت بر قیمت‌ها صحیح و لازم است و باید به اندازه کافی به آن توجه شود ولی گاهی نوسانات قیمت‌ها به دلیل عدم نظارت نیست بلکه دلایل دیگری مانند افزایش هزینه تولید دارد. همچنین اگر قیمت‌ها در برخی زمینه‌ها افزایش نیابد (دولت تمام قیمت‌ها را به صورت مصنوعی ثابت نگه دارد) انگیزه فعالیت از بین می‌رود و اقتصاد زمین می‌خورد. البته لازم است که دولت از قیمت مناسب کالاهای اساسی، مراقبت و نظارت کند ولی مردم نیز باید توجه داشته باشند که خیلی از کالاهای مانند پسته، کالای اساسی به حساب نمی‌آید.

نظارت و کنترل رسمی بر قیمت‌ها از سال ۱۳۵۱ آغاز شده است ولی برخورداری از قیمت مناسب نیازمند توجه به عوامل دیگری از جمله افزایش بهره‌وری کارکنان، عرضه بیشتر توسط تولیدکننده، مصرف به اندازه، رفع انتظارات تورمی و ... است. به طور مثال، خانواده‌ای که در حال حاضر به یک مرغ نیاز دارد و نیاز فعلی او با یک مرغ برطرف می‌شود نباید به خاطر احساس گران تر شدن آن در آینده، بیشتر از یک مرغ بخرد. همچنین نهادهای امنیتی باید با عوامل برهم زننده قیمت واقعی مانند محتکرین برخورد کنند ولی برخورد با چند خرده فروش ساده، مشکلی را در این زمینه حل نمی‌کند.

۲-۴- آیا سه هزار میلیارد اختلاس به خزانه دولت برگشته است؟ دولت برای این پول چه برنامه‌ای دارد؟

بخش زیادی از این اختلاس، پول نبوده است که بخواهد برگردد؛ بلکه خلق اعتبار بوده که لغو شده است. بخش دیگری نیز، اموال بوده است که غالباً بازگردانده شده است یا در حال بازگرداندن است.

۳-۴- علت عدم برخورد با سودجویان و مفسدان اقتصادی چیست؟

اقتصاد مقوله‌ای نیست که بتوان آن را صرفاً با نظام پلیسی اداره کرد. سوءاستفاده کنندگان گاهی افراد هستند که پلیس و مأمورین امنیتی باید آن‌ها را پیگیری و مجازات کنند ولی در غالب موارد، مشکل از فضای اقتصادی هست که ما ایجاد می‌کنیم و سوءاستفاده کننده نیز از آن سود (ظالمانه) می‌برد. به‌طور مثال، وقتی مصرف مرغ یک نفر به‌صورت دفعی، چند برابر شود؛ اگر فروشنده انصاف نداشته باشد قطعاً قیمت آن را افزایش می‌دهد؛ در چنین وضعیتی باید از تقاضای مرغ بیش از اندازه فعلی پرهیز نمود. بنابراین سوءاستفاده همواره توسط سازمان مشخصی صورت نمی‌پذیرد و خود مردم نیز می‌توانند با اصلاح رفتارهای غلط اقتصادی، از بهره جستن سوءاستفاده‌گران جلوگیری کنند.

۴-۴- دلیل تعلل در دستگیری اخلال‌گران بازار ارز چیست؟

یک دلیلش این است که اخلالگر بازار ارز، افرادی نیستند که بتوان آن‌ها را دستگیر کرد؛ مثلاً تقاضاهای خانگی، اخلالی هست

که مردم دارند در نظام بازار نرخ ارز ایجاد می‌کنند یعنی یک عامل اصلی آن، رفتار غلط ماست. به عبارت دیگر، زمانی که افرادی که واقعاً نیاز به ارز ندارند و فقط به قصد کسب سود به دنبال خرید ارز هستند تقاضای ارز کنند بازار ارز آشفته خواهد شد و در این صورت، دستگیری این افراد چگونه و چطور باید انجام شود؟ بنابراین هرچند باید اخلاص گران بازار ارز را دستگیر و مجازات کرد ولی اخلاص گران همواره افراد و یا نهادهای خاصی نیستند بلکه ممکن است خود مردم عادی باشند.

۴-۵- برای من شبهه اقتصادی معنایی ندارد؛ اقتصادی که ما داریم بیشتر فاسد است تا شبهه‌ناک؟

ابتدا باید مشخص شود که چند درصد از اقتصاد کشور ایران فاسد است؟ چه مقدار از اقتصاد ایران، گردش مالی باطل دارد؟ اقتصاد ایران بیش از ۵۰۰ میلیارد دلار است ولی فساد آن چقدر است؟ قطعاً باید علمی و عالمانه سخن گفت و در محاسبه نسبت فساد اقتصادی به کل آن نباید دچار خطا و انحراف شد. شبهه اقتصادی یعنی کسی که در حال مشاهده یک تصویر که بخشی از آن سیاه و بخش دیگری، سفید است؛ آن را به صورت کاملاً سیاه ببیند و نسبت سیاه و سفید آن را نبیند یا اشتباه محاسبه کند. این‌گونه مشاهده و تفکر کردن (فقط سیاهی دیدن یا همه چیز را سیاه دیدن) منطقی و عقلانی نیست و ضرر آن متوجه خود شخص خواهد شد.

لازم به دقت است که این سخنان به معنای نفی وجود فساد و یا عدم مبارزه با مفسدین نیست؛ بلکه به معنای محاسبه صحیح میزان فساد و تعداد مفسدین است؛ زیرا تفکرات صفر و یکی در زمینه فساد اقتصادی (تمام اقتصاد ایران را سالم یا فاسد بدانیم) نه تنها به اقتصاد ایران کمک نمی‌کند بلکه آمادگی لازم در مردم برای جهش‌های اقتصادی ضروری را ایجاد نمی‌کند و انگیزه

مردم برای مشارکت در فعالیتهای اقتصادی لازم (مانند حمایت از تولید ملی) را کاهش می‌دهد.

۴-۶- چرا برخورد با مفاسد اقتصادی این قدر زمان می‌برد ولی برخورد با مفاسد اجتماعی به سرعت صورت می‌گیرد؟ آیا این به این دلیل نیست که دست بعضی از آقازاده‌ها در مسائل اقتصادی آلوده است؟

چنین برداشتی به طور کامل نمی‌تواند درست باشد. در صورتی که با نگاه دقیق و قضاوت منصفانه در مفاسد اقتصادی و اجتماعی تأمل شود می‌توان به این سوالات، پاسخ دقیق داد: آیا با احتکار و محتکران به صورت کامل برخورد می‌شود؟ برخورد با کم‌کاری در محیط کار و بهره‌وری پایین چگونه است؟ آیا بعضی مردم توسط برخی کارمندان و مسئولان اداره‌ها اذیت نمی‌شوند؟ اگر این‌ها مفاسد اقتصادی است چه کسی با آن‌ها برخورد می‌کند؟ برخی از ما مردم، کم‌کاری می‌کنیم؛ اسراف‌گر (ریخت‌وپاش) هستیم؛ مطابق دهک اقتصادی خود، هزینه نمی‌کنیم و موارد دیگر سبک زندگی اقتصادی غلط که وجود دارد ولی با آن‌ها برخورد نمی‌شود. همان طور که با مفاسد اقتصادی برخورد نمی‌شود با مفاسد اجتماعی مانند حجاب نیز به طور صحیح و کامل برخورد صورت نمی‌پذیرد. بنابراین دایره تعریف مفاسد اقتصادی و اجتماعی را نباید محدود کرد؛ هر چند برخورد با آقازاده‌های مفسد نیز ضروری است.

لازم به اشاره است که خطاهای فرزند را باید به حساب خود او گذاشت و پدر او را مقصر (اصلی) این مسئله ندانست. در طول تاریخ، حساب پسر با پدرش جدا بوده است و آقازاده مفسد ممکن است دارای پدر غیر مفسد باشد. بنابراین باید مراقب بود که تمامی اسامی نام‌برده شده در فضای ژورنالیستی لزوماً مفسد نیستند.

۵- قدرت خرید و تورم

۵-۱- درحالی که کشور ما در تولید داخلی خیلی از محصولات خودکفا است پس دلیل این همه گرانی چیست؟

خودکفایی در کالاها به معنای عدم هزینه برای تولید آن‌ها نیست بنابراین قیمت آن‌ها در اثر برخی عوامل مانند افزایش هزینه‌های تولید، ایجاد تقاضای کاذب دفعی برای یک کالا و ... ممکن است زیاد شود. همچنین امکان دارد که کالایی گران شده باشد ولی قدرت خرید فرد هم افزایش یافته باشد. به طور مثال شخص الآن می‌تواند برخی از کالاهایی را که اجداد او توان مصرف و خرید آن را نداشته‌اند؛ بخرد و استفاده کند. به طور مثال آیا مصرف مرغ و گوشت و برنج بسیاری از افراد در حال حاضر قابل مقایسه با گذشته است؟ افزایش مصرف نشان‌دهنده این است که ضمن افزایش قیمت کالاها در طول زمان، قدرت خرید فرد هم افزایش یافته است. (هرچند ممکن است افزایش قیمت کالا و افزایش قدرت خرید به یک‌میزان نباشد ولی درهرحال، قدرت خرید و مصرف فرد، حداقل در کالاهای ضروری افزایش یافته است).

۵-۲- مرجع تعیین کننده نرخ ارز و خودرو در کشور کیست؟

اصل بر این است که قیمت این کالاها به صورت طبیعی توسط نظام تقاضا و عرضه بازار آن‌ها مشخص شود. در صورتی که این نظام دچار اختلال شود و یا مصالح ملی مدنظر باشد دولت باید قیمت را به سمت قیمت طبیعی آن هدایت کند و قطعاً هر چه مدیریت این هدایت بهتر صورت پذیرد؛ قیمت‌ها نیز در بازار، واقعی‌تر خواهد شد.

به طور مشخص، قیمت خودرو غالباً تحت تأثیر عواملی همچون نظر شورای رقابت، سازمان حمایت از مصرف کننده، تأثیر بخش خصوصی و ... تعیین می شود. نرخ ارز نیز معمولاً در باند پایین و بالایی که بانک مرکزی تعیین می کند توسط بخش خصوصی نوسان پیدا می کند. البته عرضه کننده و تقاضاکننده همیشه می توانند قیمت را افزایش یا کاهش دهند؛ مثلاً در صورتی که مردم به صورت یک باره تقاضای خود برای ارز را افزایش دهند قیمت ارز تغییر خواهد کرد.

۵-۳- چرا از سال گذشته تاکنون، قیمت‌ها سه برابر شده است ولی حقوق یک ارتشی ده درصد افزایش داشته است؟ انصافاً با ماهی چهارصد تومان می شود خرج خانواده را دارد؟ تا چقدر باید پیش خانواده، گردن شکسته باشیم؟

با این فرض که حقوق مذکور صحیح باشد؛ بله، شرایط سختی هست. اما توجه کنید که کم بودن رزق می تواند علت‌های مختلفی داشته باشد: بی توجهی مسئولان، سبک زندگی غلط (مصرف چیزهایی که هزینه آن‌ها متناسب با درآمد فرد نیست)، و در عین حال عدم بهره‌مندی از کانال‌های رزاقیت الهی مانند نماز

شب و ... بنابراین هم خود فرد و هم دیگران باید کمک کنند تا چنین شرایطی بهبود یابد و وضعیت نامطلوب او سامان یابد.

۵-۴- چرا این روزها وقتی برای خرید می‌روم، احساس می‌کنم آمریکا هستم؛ چون هیچ غلطی نمی‌توانم بکنم؟!

بخشی از گرانی به غلط (به سبب عدم مدیریت صحیح عرصه اقتصاد کشور) ایجاد شده است و باید از بین برود تا قدرت خرید مردم افزایش یابد. از طرف دیگر، با دقت نظر در سبد مصرفی واقعی ایرانیان در گذشته و مقایسه آن با وضعیت امروز مشخص خواهد شد که برخی از مصارف امروزی، ریشه و مبنای صحیح ندارد و باید از سبد مصرفی حذف شود یا کاهش یابد و از این طریق نیز، قدرت خرید مردم برای نیازهای اساسی آن‌ها بیشتر شود؛ ضمن آنکه لازم است هر کس، هزینه‌های خود را مطابق و متناسب با میزان درآمد خود تنظیم نماید.

۵-۵- چرا خودرو، طلا و قیمت سایر کالاها به یک مشکل بزرگ برای جوانان تبدیل شده است؟

یک جوان باید از خودش سؤال کند که برای چه خودرو و ارز می‌خواهد؟ یک جوان باید بداند که واقعیت توان اقتصادی خودش و پدر و مادرش چیست و به همان اندازه طلب کند. جوان حتی اگر تحصیل کرده باشد باید علاوه بر توجه به تحصیلات خود، میزان مولدیت خویش را نیز به درستی محاسبه کند. لیسانس داشتن معادل مولد بودن نیست؛ ضمن اینکه جوان تحصیل کرده مولد باید ابتدا کار کند و پس انداز نماید تا در سال‌های آتی زندگی بتواند بیشتر بهره‌برداری کند.

جوان باید زندگی را بسازد. جوان یعنی کسی که مهارت‌های مولد و درآمدزایی خودش را زیاد کند. جوان یعنی کسی که فعلاً باید

بیشتر کار کند و در آینده و به تدریج از دسترنج و محصول کارش استفاده کند. این فرهنگ غلط است که در جلسه خواستگاری از شما تقاضای خودرو بکنند. در صورتی که سبک زندگی اقتصادی مردم اصلاح شود مشکلات فوق تا حدود زیادی برطرف خواهد شد ولی در سبک زندگی غلط نمی توان دنبال شرایط و وضعیت مناسب بود زیرا صورت مسئله غلط، پاسخ صحیح ندارد.

مگر اجداد ما در همان سال اول جوانی خود، ماشین و خانه شخصی داشتند؟ آیا همه وسایل، امکانات و تجهیزات برای اجداد و نیکان ما در گذشته بدون زحمت و تلاش، آماده بود؟ بنابراین سؤال اینجاست که چقدر شما بهره‌وری داری؟ چقدر کار می‌کنی؟ چه مهارت‌هایی داری؟ پاسخ هر چه هست تقاضای خود را باید بر اساس آن تنظیم کنی. در نتیجه اگرچه تقاضای برخی کالاها سخت است و هم فرد و هم دولت باید برای برطرف شدن آن تلاش کنند ولی سخت بودن تقاضای برخی کالاها به علت متناسب نبودن آن با میزان بهره‌وری و مولدیت فرد (یا همان درآمد او) است.

۵-۶- چرا بعد از گران شدن خودرو و مواد غذایی، به یک باره همه کالاها در کشور فراوان شد؟

یک دلیلش این است که صرفه اقتصادی تولیدکننده زیاد شد و بیشتر عرضه کرد ولی چون مردم هم بیشتر تقاضا می‌کنند و قدرت خرید هم دارند که تقاضا می‌کنند گران باقی مانده است. به طور مثال اگر قیمت پسته ۵۰ هزار تومان باقی مانده است و کاهش نیافته است؛ به خاطر این است که مردم دارند می‌خرند و توان خرید هم دارند. تمامی خریدکنندگان پسته، پولدار نیستند چون آن‌ها که نمی‌توانند (و یا نیاز ندارند) که همه پسته‌های کشور را بخرند؛ پس معلوم است که کارمندا و کارگرا هم دارند می‌خرند و توان خرید دارند. اگر همین اقشار نمی‌خریدند قطعاً باعث کاهش قیمت می‌شد.

۵-۷- آیا تورم اساساً قابل حل شدن است؟

مشکل تورم زیاد برای اقتصاددانان مانند سرماخوردگی برای پزشکان شده است. تورم به راحتی قابل حل است ولی تا حدود زیادی به مشارکت مردم در حل آن وابسته است. تا زمانی که ذهن مردم تورمی باشد ابزارها و داروهای اقتصاددانان کار نمی‌کند؛ مثل مریضی که ذهنش سخته کرده باشد و هر قدر هم داروهای خوب به او داده شود همچنان احساس سخته دارد. بنابراین مردم باید ذهنشان را درست کنند تا تورم برطرف شود. تورم در اغلب کشورهای دنیا با وجود بیشتر بودن نسبت به تورم ایران، حل شده است؛ مثلاً روسیه تورم ۴۰۰۰ درصدی داشته، زیمبابوه تورم یک یا دو میلیونی داشته، ترکیه تورم متوسط بالای ۱۰۰ درصد داشته است ولی با مشارکت و تحمل مردم حل شده است. در نتیجه حل اساسی تورم منوط به مشارکت و خواست مردم و اصلاح فرهنگ‌های غلط اقتصادی است.

۵-۸- آیا گرانی‌ها نتیجه اجرای اقتصاد مقاومتی هست؟

گرانی دلایل مختلفی دارد از جمله اینکه سیستم عرضه و تولید اشکال دارد؛ بهره‌وری کارکنان کم است؛ بعضی مردم خودخواه هستند و احتکار می‌کنند؛ بعضی سبک زندگی و مصرفشان، عاقلانه و معقول نیست و برخلاف بسیاری از کشورهای دنیا، اهل فریز کردن و جمع کردن هستند. به عبارت دیگر، علاوه بر محترکان بزرگ، محترکان کوچک هم وجود دارد. به طور مثال اگر از کل خانوارهای موجود در ایران، ۱۰ میلیون خانوار بخواهند ۵ کیلو از یک کالای خاص را به صورت بلااستفاده در فریزرهایشان نگهداری کنند؛ ۵۰ میلیون کیلو از آن کالا به صورت غیرکارا جمع شده است؛ لذا نباید از نقش احتکارات و انبارهای کوچک غافل شد. بنابراین اقتصاد مقاومتی به معنای اقتصاد ریاضتی نیست و علت گرانی

منحصر در وضعیت اقتصادی کشور نیست؛ بلکه خود مردم نیز در آن نقش دارند و فرهنگ اقتصادی آن‌ها می‌تواند موجب افزایش یا کاهش قیمت شود و یا گرانی به وجود بیاورد.

۵-۹- چرا گرانی‌ها تا این سطح افزایش پیدا می‌کند؟

گرانی‌ها یا به دلیل افزایش تقاضاست یا کاهش عرضه. بخشی از کاهش عرضه به سبب تحریم و بخشی به دلیل پایین بودن بهره‌وری است. همچنین بخشی از افزایش تقاضا به سبب انتظارات و ذهن تورمی است که به دنبال تأمین نیازهای دو ماه بعد است و دائم احساس می‌کند گران‌تر خواهد شد. وقتی گفته شود گران‌تر خواهد شد همه فکر می‌کنند اگر کالاها و خدمات خود را گران نکنند عقب خواهند ماند (و ضرر می‌کنند). در نتیجه قیمت‌ها در یک رفتار دسته‌جمعی افزایش می‌یابد؛ به‌طور مثال، دستمزدها افزایش داده می‌شود؛ کرایه تاکسی، زیاد می‌شود و به همین ترتیب، بسیاری از اجناس و خدمات گران می‌شوند.

بخش دیگری از افزایش تقاضا به سبب سبک زندگی غلط است که فرد، چیزهایی را می‌خواهد بخرد که بدان نیاز ندارد و یا در شأن او و مطابق با درآمد او نیست. گاهی نیز افزایش تقاضا به دلیل افزایش نقدینگی در جامعه است یا به عبارت رایج، پول در دستان مردم زیاد شده است و مردم می‌خواهند با آن از کالاها و خدمات مختلف استفاده کنند؛ در نتیجه قیمت همه یا برخی از آن‌ها افزایش می‌یابد.

بنابراین افزایش گرانی‌ها می‌تواند به علل مختلفی از جمله تحریم، کم بودن بهره‌وری، انتظارات تورمی، تقاضای کالاهای غیرضروری، تقاضای بیش از نیاز فعلی، افزایش نقدینگی و ... صورت پذیرد.

۵-۱۰- ما اقشار کم درآمد، چگونه از عهده مخارج زندگی برپاییم؟

یک وظیفه بر عهده خود شخص هست؛ یعنی تغییر سبک زندگی و متناسب کردن آن با درآمدهایش. «چو دخلت نیست خرج آهسته تر کن». خرج و برج در ادبیات فارسی ما فراوان تأکید شده است که باید به صورت متوازن باشد. برقراری موازنه خرج و برج، وظیفه هیچ کس نیست به جز خود شخص. در کنار این مسئله، دولت نیز موظف است زمینه و بستر لازم برای برخورداری از سطح زندگی مناسب را برای فرد فراهم کند.

۵-۱۱- چرا حقوق کارمندان کمتر از افزایش قیمت هاست؟

در سال ۷۱، ۷۸ و ۹۱ این اتفاق افتاده است. این مسئله ناشی از بی توجهی یا غفلت مدیران اقتصادی بوده است که دستمزدها و حقوق واقعی را هدف گذاری نکرده اند و یا اگر هدف گذاری کرده بودند در فواصل یک ماهه یا بعضاً دوماهه باید نسبت به جبران شکاف بین تورم و دستمزد اقدام می کردند.

در کلیه سال ها به جز چند سال مورد اشاره، شتاب افزایش دستمزدها، در مجموع، از شتاب افزایش قیمت ها بیشتر بوده است. اگر بخواهید علمی بررسی کنید و مطمئن شوید باید به آمارهای اقتصادی مراجعه کنید ولی به صورت کلی نیز کافی است که سبد مصرفی فعلی با سبد مصرفی سال های گذشته (مثلاً ۲۰ سال قبل) مقایسه شود تا مشخص گردد افزایش قدرت خرید حاصل شده است.

۵-۱۲- با این همه گرانی‌ها، چرا مالیات، برای حقوق‌های بیشتر از مبلغ خاصی در نظر گرفته شده است؟ (با وجود گرانی‌ها، مالیات دادن چه معنایی دارد حتی اگر حقوق فرد خوب باشد؟)

کسی که بیشتر از این مبلغ خاص، حقوق دریافت می‌کند حداقل نیازهایش یعنی basic needs را می‌تواند تأمین کند؛ بنابراین لازم است مالیات دهد؛ هرچند ممکن است توان برآورده کردن برخی نیازهای غیراساسی مانند تعویض مبیل را نداشته باشد. از طرف دیگر همه باید به سبب استفاده از خدمات اجتماعی و عمومی مانند امنیت، حمل‌ونقل، آسفالت، نظافت و ... مالیات دهند. مگر این خدمات مجانی است؟ اگر مجانی نیست؛ هزینه آن را باید از چه کسی دریافت نمود؟ بنابراین مالیات دادن لازم است و کسی که مالیات می‌دهد در واقع اعلام می‌کند برای استفاده از پارک عمومی، خیابان و ... هزینه می‌دهم و مجانی‌خور نیستم. البته ممکن است در برخی موارد برای جبران معیشت نیازمندان، معافیت مالیاتی در نظر گرفته شود ولی نباید لزوم اصل دریافت و پرداخت مالیات را انکار کرد.

۵-۱۳- یارانه‌های ۴۵ هزار تومانی هزینه یک روز یک فرد عادی هم نیست؛ آیا این شکل توزیع، عدالت است؟

شما فرض کنید که پولدار هستید؛ آیا حاضرید همه هزینه‌های عادی یک روز یک فرد را به او بدهید؟ چرا؟ چه کسی در دنیا حاضر است تمام هزینه‌های یک فرد را به صورت مجانی به او بدهد؟ تربیت فرزند بدین صورت هم صحیح نیست و سربار مردم بودن به لحاظ اقتصادی، مطلوب نیست. آیا اگر ثروتمند باشیم به قدری

باید یارانه (مثلاً ۴ میلیون) بدهیم که اشخاص کار نکنند؟ آیا این مسئله، منطقی است؟

برخی افراد که در روستا زندگی می‌کنند و درآمد آن‌ها کمتر از مبلغ یارانه است؛ پس از دریافت یارانه، کار کردن را رها کرده‌اند. به‌طور مثال، بسیاری از کسانی که فرش می‌بافتند و حق‌الزحمه آن‌ها حدود ۴۰ هزار تومان بوده است؛ از زمان دریافت یارانه، فرش بافی را کنار گذاشتند؛ زیرا حقوق آن‌ها نسبت به مقدار یارانه (با احتساب یارانه فرزندان) کمتر بوده است و مفید محسوب نمی‌شود. همین مسئله موجب شده است که اقتصاد فرش ایران با مشکل روبرو شود.

یارانه در اصل متعلق به قشر خاص مانند آسیب‌پذیر، معلول، زنان بی‌سرپرست و مانند این‌هاست و اگر کسی از این اقشار باشد دریافت یارانه برای او لازم است. یارانه در واقع به افراد بدون درآمد کمک خواهد کرد که بخشی از مشکلات خود را برطرف نمایند.

در صورتی که فردی جزء قشرهای فوق نباشد و حداقل، یک کارگر ساده (بدون سواد و مهارت خاص) باشد زندگی خود (به همراه زن و ۲ فرزند) را می‌تواند از طریق درآمد خویش و کمک هزینه یارانه اداره کند. هزینه‌های زندگی کارگر ساده در حالت عادی با درآمد روزانه ۴۵ هزار تومان در حال جریان بوده است ولی به خاطر اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها (در صورت صحیح مصرف کردن انرژی) حدود ۴۵ هزار تومان افزایش یافته است و دولت می‌خواهد این هزینه (نه کل هزینه‌های زندگی او) را جبران کند. به عبارت دیگر، کارگر ساده، قبل از اجرای طرح نیز روزانه ۴۵ هزار تومان دریافت می‌کرده است و اکنون نیز می‌تواند همان مقدار درآمد داشته باشد ولی با اجرای طرح در صورتی که انرژی را درست مصرف کند؛ حداکثر هزینه‌های زندگی او در ماه، ۴۵ هزار تومان افزایش خواهد یافت و دولت سعی دارد این مقدار را جبران کند.

اگر کسی جزء اقشار خاص نباشد و سواد و مهارت او نیز بیشتر از یک کارگر ساده باشد (یعنی کارگر ماهر باشد) با تلاش و کوشش خویش و عنایت الهی خواهد توانست زندگی مناسبی داشته

باشد و نیازی به یارانه ندارد؛ هرچند در حال حاضر، یارانه به این افراد نیز تعلق می‌گیرد.

بنابراین در دریافت یارانه باید به وضعیت یارانه‌گیر توجه نمود که آیا جزء قشر خاص، کارگر ساده یا کارگر ماهر است؟ همچنین باید دقت کرد که یارانه برای جبران هزینه‌های ناشی از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها در نظر گرفته شده است و به معنای پرداخت کل هزینه‌های زندگی نیست.

۵-۱۴- چرا تولیدات کشور، با گرانی‌ها هم گران می‌شود؟

گرانی تولیدات می‌تواند ناشی از افزایش هزینه تمام‌شده آن‌ها باشد ولی گاهی به خاطر رفتار مصرف‌کننده است. در صورتی که تقاضا برای تولیدات وجود داشته باشد و هر قدر هم گران شوند مجدداً آن‌ها را تقاضا کنند گرانی‌ها ادامه می‌یابد. رفتار مصرف‌کننده نقش مهمی در تعیین قیمت تولیدات می‌تواند ایفا کند؛ زمانی که تقاضاکننده، کالای غیر اساسی و غیر ضروری را هر چند گران باشد بخرد؛ چرا نباید کالاگران شود؟ به طور خلاصه بعضی افراد با تقاضا و مصرف‌های بیجا نشان می‌دهند که در واقع دوست دارند کالاها و خدمات گران بشود و گران می‌خرند و می‌توانند هم گران بخرند. بنابراین در کنار انصاف تولیدکننده در تعیین قیمت و نظارت دولت بر آن، رفتار مصرف‌کننده و فرهنگ اقتصادی افراد در انتخاب کالاها و خدمات نیز باید تغییر کند.

۵-۱۵- آیا افزایش قیمت‌ها نباید در کنار افزایش کیفیت باشد؟

گاهی افزایش قیمت به خاطر بیشتر شدن هزینه تولید است و لزوماً به دلیل افزایش کیفیت نیست. همچنین قیمت یک کالا به خاطر مشهور شدن و افزایش تقاضا برای آن می‌تواند افزایش یابد؛

هرچند کیفیت آن از محصولات رقیب کمتر نیز باشد؛ بنابراین حتی گاهی ممکن است افزایش قیمت با کاهش کیفیت همراه باشد.

در حال حاضر، درصد خاصی از افزایش قیمت‌ها ناشی از عواملی همچون شرایط جنگ اقتصادی، تحریم، سوء مدیریت، بیشتر شدن هزینه تولید است ولی به‌طور کلی نباید انتظار داشت که قیمت‌ها همواره ثابت باشد؛ بلکه به‌مرور زمان و با توجه به لزوم مقدار خاصی از تورم برای اقتصاد هر کشور، قیمت‌ها افزایش خواهد یافت.

۵-۱۶- ما در تولید خیلی از محصولات خودکفا شدیم؛ چرا بازهم گرانی داریم؟

اگرچه کشور در تولید برخی از محصولات خودکفا شده است ولی تولید آن‌ها به شرطی می‌تواند ادامه یابد که سود مناسبی برای تولیدکننده داشته باشد. گاهی توان اقتصادی بنگاه به دلایل مختلف همچون تحریم اقتصادی کاهش می‌یابد (هرچند توان فنی و تکنیکی برقرار است)؛ لذا تولید آن محصولات به‌صرفه نیست و در نتیجه، تولید آن‌ها علی‌رغم خودکفایی شکل نمی‌گیرد.

۵-۱۷- آیا افزایش حقوق در این اوضاع اقتصادی، می‌تواند راهگشا باشد؟

افزایش حقوق در راستای جبران توان قدرت خرید مردم راهکار خوبی است ولی باید توجه داشت که راه‌حل اصلی برای سامان دادن اوضاع اقتصادی کشور نیست و بدین منظور نیز طراحی نشده است.

۵-۱۸- چرا با این همه افتتاح کارخانه‌های صنعتی بازهم تورم ادامه دارد؟

افتتاح کارخانه صنعتی در بازار مربوط به آن باعث کاهش قیمت نسبی آن می‌شود؛ به شرط اینکه تقاضا افزایش نیافته باشد. لازم به دقت است که افزایش قیمت‌های جاری و اسمی با تورم تفاوت دارد و آن‌ها را نباید یکسان تصور کرد. به عبارت دیگر، افزایش قیمت اسمی را نباید تورم نامید. بنابراین اگر تفاوت قیمت‌ها را بر اساس قدرت خرید محاسبه کنیم؛ چه بسا قیمت اسمی آن افزایش یافته باشد ولی قیمت نسبی آن، کاهش یافته است. بنابراین قضاوت درباره تورم باید بر اساس قیمت‌های نسبی صورت پذیرد.

۵-۱۹- آیا افزایش تولید مواد غذایی بعد از گرانی‌ها عمدی است؟

خیر؛ لزوماً چنین نیست. گرانی یک سیگنال است که به تولیدکننده خبر می‌دهد احتمالاً فروش خوب و مناسبی خواهد داشت؛ پس احتمال وجود تقاضا برای محصولات، او را به تولید بیشتر ترغیب می‌کند. از طرف دیگر، افزایش تولید، ثمرات خوبی برای اقتصاد کشور و وضعیت معیشت مردم به دنبال خواهد داشت؛ زیرا وقتی چرخه تولید کشور بچرخد قطعاً دستمزد عوامل تولید (کارگر، سرمایه و ...) نیز بهبود پیدا خواهد کرد.

۵-۲۰- راهکار اقتصاد اسلامی برای حل مشکل گرانی چیست؟

امام صادق (ع) وقتی مشاهده کردند گندم گران شده است به غلام خود دستور دادند که ذخیره انبار گندم را در اختیار تقاضاهای

موجود در بازار بگذارد. برخورد با گرانی، علاوه بر نیاز به نظارت و کنترل دولت، همت و جهاد مردم را نیز می‌طلبد. برخی مردم به محض شروع گرانی یک کالا، مقدار زیادی بیش از نیاز فعلی خود را در انبار یا خانه جمع می‌کنند و باعث کمبود آن کالا در بازار می‌شوند. در صورتی که ما مانند امام صادق (علیه السلام) رفتار کنیم و با مشاهده گرانی یک کالا، تقاضای بیش از نیاز فعلی نداشته باشیم یا مازاد تقاضای خود را در بازار عرضه کنیم؛ تورم به صورت دومینویی می‌شکند و کاهش می‌یابد.

۵-۲۱- چه زمانی تورم تمام می‌شود تا ما یک نفسی بکشیم؟

نرخ دستمزد واقعی بسیار بیشتر از تورم اهمیت دارد. به طور مثال تورم ممکن است ۲۰ درصد باشد ولی افزایش حقوق ۲۵ درصد باشد و این شرایط مشکل ندارد. بنابراین مقدار تورم به تنهایی مهم نیست؛ بلکه نسبت این دو حائز اهمیت است. مناسب و منطقی شدن این نسبت نیازمند تلاش و جهاد دولت و ملت است و هر کس لازم است به وظایف اقتصادی خودش عمل کند.

مرکز مطالعات راهبردی
تردیت اسلا



مرکز مطالعات اسلامی
تربیت اسلامی

۶- راهکار حل مشکلات

۶-۱- شما اقتصاد را به حال خود رها کنید و در آن دخالت نکنید، خودش درست می‌شود-

دولت در هیچ جای دنیا، اقتصاد را رها نمی‌کند تا خودش درست شود و اقتصاد مقوله‌ای نیست که خودش درست شود زیرا اقتصاد، کنش و واکنش رفتار جمعی مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان است و کسی نمی‌تواند آن را رها کند. بنابراین هر کس باید نقش خودش را به صورت حداکثری ایفا کند؛ دولت وظایفی دارد؛ بخش خصوصی وظایفی دارد ... به‌طورکلی هر یک از آحاد جامعه، وظیفه‌ای دارد و نباید آن را به حال خود رها کند. البته پیشنهاد می‌شود که برخی از مدیران اقتصادی که نااهل هستند اقتصاد را رها کنند و دست از فساد بردارند تا اقتصاد درست شود.

۶-۲- دولت، مجلس و دستگاه قضا، هرکدام تا چه اندازه می‌توانند در حل مشکلات اقتصادی کمک کنند؟

همه این‌ها مؤثر و مهم هستند و بسیار تأثیرگذار هستند؛ ضمن اینکه خود مردم نیز نقش اساسی و قابل‌توجهی در حل مشکلات اقتصادی دارند. قوای سه‌گانه باید وظایف خود در حوزه اقتصاد را به درستی تقسیم کنند؛ به‌طور مثال اگر در بازی والیبال،

| ۳۸ | پرسمان اقتصادی؛ پرسش و پاسخ پیرامون شبهات اقتصادی |

بازیکنان در کار یکدیگر دخالت کنند نظم بازی از بین خواهد رفت و شکست ایجاد می‌شود. بنابراین با نقش‌آفرینی مردم در رعایت سبک زندگی اقتصادی صحیح و همکاری قوای سه‌گانه، مشکلات اقتصادی برطرف خواهد شد.

۳-۶- مردم تا چه زمانی باید با این اقتصاد بیمار زندگی کنند؟

تا زمانی که سبک زندگی اقتصادی آن‌ها در تولید و مصرف بیمار باشد. در صورتی که مردم، رفتارهای اقتصادی غلط خود را کنار بگذارند و مسئولین نیز وظایف خود را به‌درستی انجام دهند مشکلات اقتصاد حل خواهد شد.

۴-۶- آیا به آینده اقتصادی کشور می‌توان خوش بین بود؟

بله، بسیار می‌توان خوش بین بود. اقتصاد ایران تا به حال دچار بسیاری از مشکلاتی که در دانش اقتصاد متصور هست نشده است. من اقتصاددان مانند پزشکی هستم که شخصی نزد او می‌آید و می‌گوید فرزند من در حال جان دادن و در آستانه مرگ است؛ ولی او نگاه می‌کند و تشخیص می‌دهد که مریض دارای فقط یک طب کم در حد دو درجه است. حالا از من اقتصاددان سؤال شده است که وضعیت اقتصاد خوب است؟ من می‌گویم اقتصاد برخی کشورها بسیار بدتر است ولی این قدر بدبین نیستند؛ به‌طور مثال، ما ترکیه را می‌بینیم که نرخ دلار در این کشور در طی پنج سال (سال ۷۱ تا ۷۶) بیش از ۱۳۰۰ برابر، تضعیف شده است؛ در حالی که نرخ دلار کشور ایران در طی چند سال گذشته، فقط ۴ بار تضعیف شده است. باین وجود، آیا اقتصاد ایران بیمار است یا اقتصاد ترکیه؟ اقتصاد ایران، با وجود تمام مشکلات داخلی و خارجی، بسیار قوی است و اگر دولت و مردم به وظایف خود بیشتر

و بهتر از گذشته عمل کنند؛ بسیار زیاد می‌توان به آن خوش‌بین بود.

۵-۶- به نظر شما آینده اقتصادی کشور چطور خواهد شد و اوضاع اقتصادی به کدام سمت می‌رود؟

بستگی به رفتار مردم ایران دارد. اگر مردم ایران وقتی دچار مشکل اقتصادی شوند تصمیمات عاقلانه‌ای بگیرند و براساس آن عمل کنند اقتصاد ساخته خواهد شد؛ مانند مردم انگلستان در ۱۸۱۵، ۱۸۲۱، ۱۸۳۵ که انقلاب صنعتی انگلستان دچار مشکل بود ولی با تصمیمات عاقلانه خود، اقتصاد کشورشان را ساختند. ظرفیت‌های اقتصاد ایران نشان می‌دهد که علی‌رغم تمام مشکلاتی که دشمن داخلی و خارجی ایجاد می‌کند اقتصاد ایران در سه دهه اخیر پیشرفت داشته و شتاب رشد آن نیز از بسیاری کشورهایی که مشکلاتی شبیه اقتصاد ایران نداشتند مانند ترکیه، مالزی و ... بیشتر بوده است.

۶-۶- آیا ممکن است جامعه بدون اصلاحات اقتصادی، به اصلاحات فرهنگی بپردازد؟

در علوم انسانی، ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و... معمولاً منظومه‌های مرتبط باهم هستند و بسیاری از ابعاد اصلاحات اقتصادی منوط به اصلاحات فرهنگی هست و بسیاری از اصلاحات فرهنگی نیز منوط به اصلاحات اقتصادی هست. لازم به اشاره است که پاسخگویی به شبهات اقتصادی و تعلیم سواد اقتصادی از زمینه‌های فرهنگی موردنیاز برای اصلاحات اقتصادی است.

۶-۷- بعد از افتتاح چندین پروژه پالایشگاهی و افزایش توان ظرفیت تولید بنزین سوپر به مرز صادرات، چرا هنوز بنزین سوپر در کشور نایاب است؟

بنزین سوپر، تقاضای زیادی ندارد و کم تولید می‌شود؛ بنابراین در صورتی که به یک باره، تقاضای زیادی برای آن در مکان خاصی ایجاد شود ممکن است نتوان آن را برطرف نمود.

۶-۸- درآمدهای کثیر حاصل از هدفمندی یارانه‌ها در کجا هزینه شد؟ (درآمد زیاد شده است ولی وضعیت کشور مانند قبل از اجرای طرح است؟)

قبل از اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها، قیمت‌های بسیاری از کالاها کمتر از میزان واقعی آن بود و این طرح اجرا شد تا قیمت‌ها واقعی شود؛ لذا هدفمندی یارانه‌ها درآمدی نداشته است بلکه هر قدر قیمت‌ها واقعی‌تر شده‌اند همان مقدار در قالب یارانه‌ها به صورت نقدی بین مردم توزیع شده است. اقتصاد بین‌الملل

۶-۹- آمریکا چقدر در اقتصاد ما نقش دارد؟

آمریکا به میزان تحریم‌ها در مشکلات اقتصادی ما نقش دارد؛ یعنی به اندازه‌ای که دشمنی و تلاش خصم‌آلود می‌کند. همچنین گاهی ذهن و انتظارات اقتصادی مردم را برهم می‌زند و با عملیات روانی قصد دارد به اهداف خویش دست یابد. اگرچه آمریکا، دشمن خارجی محسوب می‌شود و باید مراقب اقدامات آن بود ولی اقتصاد ایران، درگیر دشمنان داخلی نیز هست و در غالب موارد، تأثیر خصومت‌های داخلی بیشتر از خصومت‌های خارجی است.

۶-۱۰- تحریم‌های غرب با اقتصاد بیمار ایران چگونه رفتار می‌کند؟ تحریم اقتصادی بر روی اقتصاد ما تا چه اندازه، اثرگذار است؟

اقتصاد ایران، مشکل دارد ولی بیمار به معنای خراب نیست. اگرچه اقتصاد ایران دارای مشکلات هست ولی از نقاط قوت و قدرتمند نیز برخوردار است. تحریم‌های غرب موجب شده است بخش‌هایی از ضعف‌های اقتصاد تبدیل به قوت شود و بخشی از تهدیدات تبدیل به فرصت شود. خود آمریکا معتقد است که اگر کشوری بتواند ۴/۵ سال در برابر تحریم‌ها صبر کند و دوام بیاورد؛ تحریم‌ها برای او تبدیل به فرصت می‌شود؛ بنابراین هرچند تحریم‌ها در کوتاه‌مدت ممکن است موجب اذیت و ضرر شوند ولی قطعاً در بلندمدت باعث ایجاد فرصت و قوت خواهند شد.

۶-۱۱- اثر تحریم‌های غربی را تا چه اندازه در تصمیمات دولت دخیل می‌دانید؟

تحریم‌های غربی را باید به‌اندازه اثرات مخرب آن در نظر گرفت. رشد اقتصاد و پیشرفت آن وابسته به رفع تحریم‌ها نیست. در حال حاضر، کشورهایی در دنیا هستند که بسیار فقیر هستند و درصد فقرشان نسبت به فقر موجود در کشور ایران، بسیار بیشتر است و جزء کشورهای اقتصادی ضعیف به حساب می‌آیند ولی ارتباط آن‌ها با آمریکا موجب رفع فقر یا حتی کاهش یک درصد از فقرشان نشده است.

۱۲-۶- نقش کاهش صادرات نفتی در اقتصاد چیست؟

کاهش صادرات نفتی در کوتاه مدت موجب کاهش درآمد ارزی کشور می شود و نرخ ارز را افزایش می دهد و به نفع صادرات کشور است. از طرف دیگر، دولت در تأمین بخشی از هزینه های خود با مشکل مواجه خواهد شد و باید سعی کند آن را از راه های دیگر (مانند دریافت مالیات یا کاهش هزینه ها) جبران کند. کاهش صادرات نفتی در بلندمدت برای کشور مفید است چون باعث کاهش وابستگی درآمد دولت به نفت می شود و با برنامه ریزی درست می توان خام فروشی نفت را کنار گذاشت و آن را وارد چرخه تولید کشور کرد و موجبات ایجاد اشتغال برای بسیاری از مردم و افزایش تولید ملی را فراهم نمود.

۷- اقتصاد مقاومتی

۷-۱- چرا اقتصاد مقاومتی را در جلسات و همایش‌ها نگه داشته‌ایم و آن را در متن مردم نیاوردیم؟

کم‌کاری نخبگان است. نخبگان باید اقتصاد مقاومتی را میان مردم تبلیغ و ترویج کنند. با توجه به جنگ اقتصادی تمام‌عیاری که امروزه علیه ملت ایران شکل گرفته است هرکس باید با اقتصاد مقاومتی آشنا شود و نقش خود در تحقق آن را بداند و انجام دهد و وظیفه نخبگان در این میان، سنگین‌تر است.

۷-۲- چرا اقتصاد مقاومتی را در دولت نهاده‌ی نه می‌کنند؟

اقتصاد ایران در سه دهه گذشته در تمام ادوار خودش در دولت‌های مختلف، مقاوم بوده است. ما مقابل همه خرابکاری‌های به ارث مانده از حکومت پهلوی و جنگ اقتصادی دشمن که از ابتدای انقلاب تا به حال بوده است؛ تاکنون بسیار مقاوم بوده‌ایم. علی‌رغم تمام این جنگ‌ها، رشد اقتصادی ما بیشتر از کشورهایمانند ترکیه و مالزی هست که این همه فشار و خرابی و جنگ نداشتند. بنابراین اقتصاد ایران، مقاومتی هست و دولت‌ها نیز در زمینه اقتصاد مقاومتی فعال بوده‌اند.

اقتصاد مقاوم، اقتصادی است که اسیر خواسته‌های دشمن نشود و نشده است. دشمن به ادعای خودش، دراز طریق کم کردن

قدرت ایران در فروش نفت، تا حدودی (۴۵ میلیارد دلار) به اقتصاد ایران ضربه زده است. بدیهی است که اقتصاد ایران (با توجه به مقدار تولید ناخالص ملی آن) با ضررهای کم (مانند مقدار فوق) شکست نمی خورد و به زانو نمی نشیند. بنابراین اگر خوب دقت کنیم متوجه خواهیم شد که اگرچه در کوتاه مدت با کمی مشکل مواجه می شویم ولی در عوض، سرمایه (نفت) خود را نفروختیم و در بلندمدت به نفع ماست.

۷-۳- آیا پرداخت یارانه با اقتصاد مقاومتی هماهنگی دارد؟

اقتصاد مقاومتی، علاوه بر برخورداری از ویژگی مردمی بودن، در مقابل شوک ها و نوسانات نیز مستحکم و مقاوم است. یارانه، کارکردهای طبیعی اقتصاد را تقویت می کند؛ لذا اقتصاد مقاومتی باید به طور هدفمند و هوشمند از یارانه ها بهره بگیرد. به عبارت بهتر و خلاصه، پایه های اقتصاد مقاومتی، مردمی است و یارانه، کمکی برای مردم است تا بتوانند نقش بهتری در اقتصاد ایفا کنند؛ پس هماهنگی دارد و باید آن را حفظ و تقویت کرد.

۷-۴- آیا اقتصاد مقاومتی صرفاً در بستر اقتصاد اسلامی قابلیت اجرا دارد یا در اقتصاد ما نیز قابلیت اجرا دارد؟

اقتصاد ایران، اقتصاد اسلامی است ولی در حال تکامل و شدن (پیشرفت و رشد) است. در هر بستری که عقل در آن حاکم باشد اقتصاد مقاومتی را می توان برقرار کرد. بسیاری از کشورهای دنیا که درباره دانش اقتصاد محصول علمی دارند در حوزه اقتصاد مقاوم نیز بحث کرده اند. بنابراین در صورتی که با اقتصاد مقاومتی آشنا باشیم در حال حاضر نیز می توان آن را اجرا کرد.

